

فراز و فرودهای دیدار رضا شاه و آتاتورک

۲۷ خرداد ۱۴۰۲ ساعت ۱۴:۳۱

وقتی چشمان شاه متوجه من شد که در گوشه تالار ایستاده بودم فرمود: «صادق من تصور نمی کردم ترک‌ها تا این اندازه ترقی کرده و در اخذ تمدن اروپا جلو رفته باشند. حالا می بینیم که ما خیلی عقب هستیم مخصوصاً در قسمت تربیت دختران و بانوان»

در دوره پهلوی اول، روابط ایران با برخی از کشورهای خارجی کمرنگ شد و در مقابل رابطه با برخی از کشورها وارد فاز جدیدی شد. ترکیه از جمله کشورهایی است که رابطه با آن از ابعاد گوناگون حائز اهمیت است. زیرا این کشور و الگوی توسعه آن تأثیر زیادی بر رضا شاه داشت. این تأثیر بعد از سفر رضا شاه به ترکیه اهمیت بیشتری یافت و روابط دو کشور را در مسیر متفاوتی قرار داد. با این مقدمه کوتاه به خوبی می توان دریافت که روابط دو کشور از زمان تأسیس حکومت پهلوی با فراز و فرودهای زیادی مواجه بوده است که در ادامه این نوشته به بخشی از آن پرداخته شده است.

روابط ایران و ترکیه قبل از سفر رضا شاه به ترکیه

آغاز فعالیت‌های سیاسی آتاتورک و تکاپوی او برای تشکیل جمهوری ترکیه در سال ۱۹۲۳ را می توان آغاز یک نقطه عطف جدید در رابطه با کشورهای همسایه از جمله ایران دانست. مقارن با همین سال‌ها رضا شاه نیز در پی قدرت‌یابی بود. او در سال ۱۳۰۴، (۱۹۲۵ م) حکومت پهلوی را پایه‌گذاری کرد. این تغییرات سیاسی منشأ تغییرات فیمابین نیز بود. البته این به معنای حسن روابط دو کشور از همان آغاز پایه‌ریزی حکومت نیست. چنانچه رضا شاه در زمان تشکیل حکومت، از الگوی حکومتی آتاتورک تبری می جست. چنانچه نقل است وقتی رضا خان، موضوع ایجاد حکومت جمهوری را مطرح کرد، در همان روزها «علمای بزرگی مانند (حاج میرزا حسین نائینی و سیدابوالحسن اصفهانی) که اخیراً از عتبات به ایران تبعید شده بودند اجازه یافتند که به عراق بازگردند. رضا خان برای دیدار و بدرقه ایشان شتابان به قم رفت و آنان به او توصیه کردند دست از جمهوری‌خواهی بردارد چون نگرانند مبادا تحولاتی نظیر ترکیه آتاتورک در ایران رخ دهد. او نه تنها به این توصیه عمل کرد بلکه با ترتیب دادن مجالس رسمی روضه خوانی و حرکت در پیشاپیش دستجات عزاداری در ماه محرم در سوگ شهدای کربلا، به تلاش‌ها و تظاهرات دین‌دارانه خود افزود.»^۱

در این دوره روابط ایران و ترکیه به دلیل برخی از اختلافات مرزی تا حدودی تیره بود. با این حال با تلاش‌هایی که صورت گرفت اختلافات مرزی دو کشور تا قبل از سفر رضا شاه به ترکیه در سال ۱۳۱۳، حل و فصل شد و قراردادهایی نیز میان طرفین به امضا رسید. بعد از این تحولات، رضا شاه در سال ۱۳۱۳، تصمیم گرفت به ترکیه سفر کند. حسن تقی‌زاده این سفر را گام بزرگی برای رضا شاه دانسته و معتقد است این سفر ضمن آنکه موجبات نزدیکی دو کشور را فراهم کرد و در کاهش و یا برانداختن نفوذ

روحانیون دو کشور تأثیرگذار بود، «حرکت کارسازی در تحکیم روابط بود که روز به روز، موجب صفا و صمیمیت میان سران دو کشور می‌شد، تا آن‌جا که در یکی از مواضع انتخاب اعضای غیر دائمی برای سازمان ملل متحد که ایران هم داوطلب آن بود؛ رضاخان تا شنید ترکیه هم داوطلب است، دستور داد تا نمایندگان ایران از نامزد شدن خود صرف نظر نموده و نامزدی ترکیه را تائید نماید تا در بین دو کشور مبارزه نشود.»^۲

سفر رضا شاه به ترکیه گذشته از تقویت روابط دو کشور، تأثیر زیادی بر نگرش‌های سیاسی رضا شاه گذاشت. اولین تأثیر او تقلید از سبک پوشش و ظواهر مدرنیته ترکیه بود که منشأ آن تغییرات شخص آتاتورک بود. مستشارالدوله سفر کبیر ایران در ترکیه می‌گوید اولین اظهارات رضاشاه که حاکی از تأثیرپذیری وی در زمینه مشاهداتش از زنان ترکیه بود، جمله‌ای بود که شاه در عمارت حزب خلق ترکیه خطاب به وی بر زبان آورد.^۳ مستشارالدوله سپس خاطره‌ای را نقل می‌کند که حکایت از تغییر نگرش رضا شاه در زمینه پوشش زنان است: «شبی پس از پایان ضیافت رسمی باشکوه وقتی رضاشاه به عمارت حزب خلق که محل اقامت او در آنکارا بود مراجعت کرد تا پاسی از شب نخوابد و در تالار بزرگ خانه ملت قدم می‌زد و فکر می‌کرد و گاه گاه بلند می‌گفت: عجب! عجب! وقتی چشمان شاه متوجه من شد که در گوشه تالار ایستاده بودم فرمود: «صادق من تصور نمی‌کردم ترک‌ها تا این اندازه ترقی کرده و در اخذ تمدن اروپا جلو رفته باشند. حالا می‌بینیم که ما خیلی عقب هستیم مخصوصاً در قسمت تربیت دختران و بانوان»^۴

رضا شاه در حالی دست به این تغییرات و تقلید از الگوی توسعه ترکیه زد، که به قول برخی از نویسندگان، سطح سواد او با آتاتورک قابل مقایسه نبود و زمینه‌های فرهنگی ایران و ترکیه نیز تفاوت فاحشی با یکدیگر داشت. چنانچه به گفته سر ریدر بولارد، «آتاتورک زبان فرانسوی را بخوبی می‌دانست و به همین جهت نیز قادر بود براحتی با خارجی‌ها صحبت کند و بدون سوءظن نسبت به این و آن، از نظراتشان مطلع شود. ولی رضاشاه به دلیل عدم آشنایی به هیچیک از زبان‌های اروپایی - مگر مقدار بسیار کمی زبان روسی - معمولاً از مذاکره با خارجی‌ها طفره می‌رفت.»^۵ در نهایت همین موضوع یعنی بی‌سوادی او باعث شد تا او در اعمال تغییرات ظاهری افراط زیادی کند. تا جایی که حتی سفیرکبیر ترکیه هم برخی از این اقدامات را بی‌منطق می‌دانست. انتقاد سفیر کبیر از اقدامات رضا شاه در یک نمونه به موضوع تعویض لباس اسب‌دوان‌ها بازمی‌گشت که سفیر کبیر ترکیه در توصیف این مسابقات آن را بسیار جالب و تماشایی خوانده بود، ولی معتقد بود که جایگزین شدن لباس سوارکاران حرفه‌ای به جای لباس‌های رنگارنگ ترکمن از جذابیت این مسابقات کاسته بود، که البته مسلماً منظورش اشاره به اشتیاق رضا شاه به مسئله اصلاح «لباس» بود.^۶ با این حال این سفر سرآغاز تحولات جدید در روابط دو کشور نیز بود. بعد از این سفر، دو کشور پیمان سعدآباد، ائتلافی را تشکیل دادند که ظاهراً دفاع از یکدیگر علیه تجاوز شوروی بود؛ اما واقعیت آن است که از آنجا که «ایران قبل از جنگ دوم تحت نفوذ سیاست استعماری انگلیس بود، با روی کار آمدن آتاتورک در ترکیه برای اینکه شوروی را در حلقه محاصره داشته باشند در سال ۱۳۱۶ ه‍.ش برابر با ۱۹۳۷ م پیمان دوستی و عدم تجاوز بین ایران، ترکیه، افغانستان و عراق در کاخ سعدآباد به امضا رساندند که به پیمان سعدآباد معروف گردید و به موجب آن متعهد شدند که سیاست هماهنگی داشته و در مقابله با خطری که هر یک از دولتهای آنان را تهدید کند حمایت نمایند و در امور داخلی هم مداخله نکنند، اما در عمل این پیمان توخالی و پوچ بود.»^۷

سخن نهایی

روابط رضا شاه و آتاتورک را می‌توان روابطی نه چندان پیچیده و توأم با دوستی دانست. در این دوره علاوه بر اینکه روابط دو کشور

ایران و ترکیه به رهبری این دو فرد بهبود یافت، سیاست‌های سکولاریسم آتاتورک نیز به دلیل اشتیاق رضا شاه به سیاست‌های آتاتورک سرمشق او قرار گرفت و در ایران پیاده شد. بنابراین گرچه ارمغان این آشنایی، بهبود روابط سیاسی بود؛ اما در نهایت باعث نارضایتی و تسهیل سقوط حکومت پهلوی شد.

فهرست منابع

۱. استفانی کرونین، رضا شاه و شکل‌گیری ایران نوین، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران، انتشارات جامی، ۱۳۸۲، صص ۳۹-۴۰.
۲. حسن تقی‌زاده، روابط ایران و ترکیه، مجله یغما، شماره دوم، (اردیبهشت ۱۳۳۵)، ص ۵۴.
۳. علی‌اصغر حقدار، رضاشاه پهلوی در ترکیه به روایت اسناد تاریخی، تهران، دفتر مطالعات مشروطه خواهی حزب مشروطه ایران، ۱۳۹۸، ص ۲۴.
۴. همانجا، صص ۲۴-۲۵.
۵. سرریدر بولارد و سرکلارمونت اسکراین، شترها باید بروند، تهران، انتشارات البرز، ۱۳۷۴، چاپ چهارم، ص ۲۸.
۶. محمدقلی مجد، از قاجار به پهلوی ۱۲۹۸-۱۳۰۹ بر اساس اسناد وزارت خارجه آمریکا، مترجمین سیدرضا مرزانی، مصطفی امیری، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۹، ص ۵۴۶.
۷. سیدجلال‌الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلد ۱، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۹۱، چاپ هفدهم، ص ۲۶۱.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/49240/آتاتورک-شاه-رضا-دیدار-فرودهای-فراز/>